

# صید تمدن ایرانی از دریای دانش و ادب جهانی

یکی از نیازهای پژوهشگران در حوزه‌های مختلف، وجود پایگاه اطلاعاتی جامع در زمینه منابع حوزه پژوهش است. به عنوان نمونه زمانی که محقق تصمیم داشته باشد از میان متون کهن کتابی را مورد تصحیح انتقادی قرار دهد، نخست، لازم است بداند که آن اثر پیشتر تصحیح و منتشر شده است یا نه، اگر منتشر شده توسط چه کسی، در کجا و با چه کیفیتی؛ و اگر منتشر نشده، محل نگهداری نسخه‌های آن اثر کجاست.

بنابر این وجود پایگاهی شامل اطلاعات فهرست‌های نسخ خطی و نیز فهرستی از متون منتشر شده به علاوه اطلاعات مربوط به متون در حال تصحیح و انتشار برای محققان این وادی می‌تواند بسیار ارزنده و راهگشا باشد.

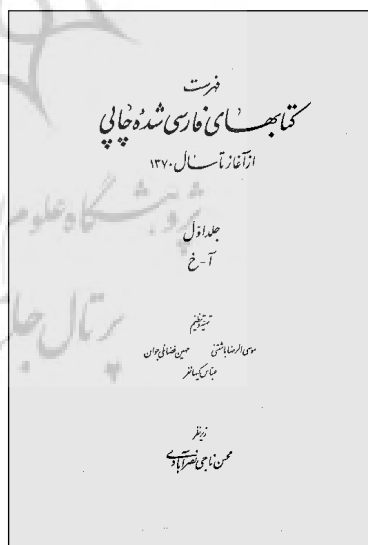
هم‌چنین برای دانشجوی دوره فوق لیسانس یا دکتری بسیار مهم است که بداند چه موضوعاتی قبلاً به عنوان پایان‌نامه تحصیلی توسط دیگران انتخاب شده است، تا کار تکراری انجام ندهد، یا متهم به کپی‌برداری از کار دیگران نشود، بلکه در صورت نزدیکی موضوعات بتواند از نتایج و دستاوردهای تحقیقات پیشین نیز بهره‌جوید و با ذکر مأخذ، کار کامل‌تری ارائه دهد.

بنابر این فهرستی از پایان‌نامه‌های دفاع شده یا در حال دفاع به تفکیک موضوعی می‌تواند راهگشای بسیاری از دانشجویان و محققان باشد که اقداماتی در این راستا انجام شده است.

نماینده‌ها و فهرست‌های مقالات نشریات نیز از جمله سودمندترین و پرکاربردترین فهرست‌های راهنما هستند که محقق را در بازیابی منابع مرتبط با موضوع تحقیق بسیار یاری می‌دهند.

دسترسی به اطلاعات مربوط به آثار ترجمه شده یا در حال ترجمه نیز از ضرورت‌های امروز و فردای عالم تحقیق و ترجمه است. چه بسا مواردی که فرد محقق علی‌رغم آگاهی از موجود بودن منابع فراوان در حوزه موضوعی مورد تحقیق، به دلیل عدم اشراف به زبان اصلی و نیز عدم آگاهی از ترجمه‌های آن آثار، از استفاده آنها باز ماند؛ هم‌چنین بسیار اتفاق افتاده است که مترجمینی به دلیل عدم آگاهی از کار یکدیگر اثری را در یک زمان یا در زمان‌های متفاوت ترجمه کرده‌اند. هر چند ممکن است فوایدی بر ترجمه مکرر از یک اثر ارزنده وجود داشته باشد، به ویژه درباره آثار مهم حوزه ادبیات، تا آنجا که حتی بسیاری از مترجمین با آگاهی از ترجمه‌های قبلی و پس از مطالعه آن، اقدام به ترجمه جدید می‌کنند. با این حال چه بسیار مترجمانی که اگر می‌دانستند اثری قبلاً ترجمه شده یا در حال ترجمه است، وقت خود را صرف ترجمه اثر ارزنده دیگری می‌کردند. از زاویه‌ای دیگر یک خواننده حرفه‌ای ترجیح می‌دهد از میان ترجمه‌های گوناگون موجود از یک متن شناخته شده جهانی یا

• احسان‌الله شکراللهی طالقانی



• فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی از آغاز تا سال ۱۳۷۰، تهیه و تنظیم موسی‌الرضا باشتنی، مهین فاضالی جوان، عباس کیهانفر، زیر نظر محسن ناجی نصرآبادی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۲۱۳۸۰، ج ۴.

یک شاهکار ادبی به سراغ ترجمه بهتر و قابل اعتمادتری برود. فراتر از همه آنچه ذکر شد دست‌یابی به اطلاعات دقیق دروادی ترجمه ضرورت تألیف تاریخ دقیق ترجمه است.

برای پاسخ دادن به این نیازها در زبان فارسی تاکنون چند تحقیق انجام شده که کامل‌ترین آنها فهرست کتاب‌های فارسی شده چلی از آغاز تا سال ۱۳۷۰ است. این اثر به وسیله پژوهشگران بنیاد پژوهش‌های اسلامی زیر نظر آقای محسن ناجی نصرآبادی تهیه و تنظیم گردیده و اخیراً جلد چهارم یا آخر آن به بازار کتاب راه یافته است. در مقدمه این اثر بسیار ارزنده به برخی کوشش‌ها برای شناساندن آثار فارسی شده اشاره شده است که عبارت است از:

فهرست ترجمه‌های فارسی از ۱۳۴۵ تا پایان ۱۳۴۹ فریدون بدره‌ای، تهران: دانشگاه تهران دانشکده علوم تربیتی، (پایان‌نامه تحصیلی).

فهرست ترجمه‌های فارسی و بررسی آنها از ۱۳۵۰ تا پایان ۱۳۵۴، عربعلی رضایی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، (پایان‌نامه تحصیلی).

تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تاکنون، داودنوابی، کرمان: داودنوابی، ۱۳۶۳.

کتابشناسی داستان کوتاه ایران و جهان، فرشته مولوی، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۱.

کتابشناسی رمان و مجموعه‌های داستانی مترجم، فاطمه کنارسری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.

از دیگر منابعی که تاکنون در این باره پدید آمده‌اند می‌توان عناوین زیر را برشمرد:

اهتمام ایرانیان به قرآن: کتابشناسی توصیفی ترجمه و چاپ قرآن کریم، یاسر ایزدی، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۰.

فهرست کتاب‌های چاپی فارسی طبی و فنون وابسته به طب، محمود نجم‌آبادی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.

تاریخچه ترجمه زبان فرانسه در ایران و مروری بر علم ترجمه و تحولات آن، نویسنده و مترجم کامبیز قشمی، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی حکایت، ۱۳۸۰.

کتابشناسی فارسی که از ادبیات ارمنی ترجمه یا درباره‌ی ارمنه نوشته شده است (۱۲۸۶-۱۳۷۶). گردآورنده لئون میناسیان، اصفهان: لئون میناسیان، ۱۳۷۶.

اما همان‌گونه که ذکر شد، جامع‌ترین پایگاه اطلاعاتی درباره آثار ترجمه شده به فارسی فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی است. این اثر که در فاصله سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۲ منتشر گردیده شامل چهار جلد است: سه جلد مدخل‌های اصلی و جلد چهارم نمایه‌ها؛ هرچند صاحب این قلم پیشتر در شماره بیست و هفتم مجله پیام بهارستان (شهریور ۸۲) این اثر را معرفی کرده بود، اما به دلیل اهمیت و جایگاه این اثر ارزنده شایسته بود نقد و معرفی کامل‌تری از آن صورت پذیرد و بهترین جای

این کار کتاب‌ماه کلیات بود. پیش از پرداختن به این کار اشاره‌ای مختصر به مفهوم و تاریخچه ترجمه بی‌مناسبت نیست.

### مفهوم ترجمه

«ترجمه» در لغت به معنای ذیل آمده است: زبانی را به زبان دیگر تفسیر کردن، بیان کردن سخن کسی را به زبان دیگر، تفسیر کتابی به لغت دیگر. بیان کردن مطالب زبانی به زبان دیگر، یاد کردن شرح حال کسی، تعبیر و تفسیر، اول نامه، نامگذاری، و بالاخره رمز و معما.<sup>۱</sup> در زبان فارسی هم فعل مرکب ترجمه کردن یعنی گفتاری یا نوشته‌ای را از زبانی به زبان دیگر برگرداندن و بیان کردن کلامی یا عبارتی از زبانی به زبان دیگر.<sup>۲</sup>

«ترجمان» نیز شخصی را گویند که لغتی را به زبان دیگر تفسیر نماید. این واژه در پهلوی به صورت «ترگمان» به کار رفته و در نوشته‌های آشوری به صورت «ترگوماتو» دیده شده است. برخی ترجمه را معرب «ترزبان» به معنی شیرین سخن دانسته‌اند که درست به نظر نمی‌رسد.<sup>۳</sup> با یک پرش بزرگ از تاریخچه و سیر ترجمه در جهان به دلیل ضیق مجال تاریخچه ترجمه در ایران و جهان اسلام و ترجمه فارسی را مرور می‌کنیم.

### تاریخچه ترجمه در ایران

برخی قدیمی‌ترین ترجمه مکتوب را متعلق به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح و مربوط به دوره فراغه دانسته‌اند. از حدود ۳۰۰ قبل از میلاد با تسلط رومیان بر یونان ترجمه رونق یافت. از برجسته‌ترین مترجمان این عصر می‌توان به لیویوس آندرنیکوس، سیسرون و هوراس اشاره کرد.

ترجمه در ایران سابقه‌ای دیرینه‌تر دارد، و به روزگار هخامنشیان (۵۵۲۳۲۱ ق. م) باز می‌گردد. وسعت این امپراتوری و ارتباط گسترده آن با سرزمین‌های بیگانه ترجمه را امری الزام‌آور ساخته بود. کتیبه‌های هخامنشیان معمولاً به سه زبان پهلوی، اکدی، و عیلامی نوشته می‌شد. در زمان سلسله سامانیان نیز در مراکز علمی آن عصر مانند: سلوکیه، تیسفون و گندی شاپور آثار فراوانی از زبان‌های سنسکریت، یونانی، لاتینی و سریانی به پهلوی ترجمه می‌شد. نخستین ترجمه ایران را متعلق به عصر خسرو اول انوشیروان ساسانی می‌دانند. از معروف‌ترین آثاری که در این دوره ترجمه شد باید به ترجمه پنجه‌تنتره یا کلیله و دمنه از سنسکریت به پهلوی اشاره کرد... در آغاز تمدن اسلامی ترجمه‌های متعددی از کتب فلسفی و علمی یونانی به پهلوی موجود بود.<sup>۴</sup>

ابوسهل فضل بن نوبخت از دانشمندان ایرانی اوایل دوران حکومت عباسی در کتاب النهمطان معارف یونان و مصر را ترجمه کتاب‌هایی دانسته است که اسکندر از ایران غنیمت برد. وی همچنین کوشش ساسانیان در فارسی کردن کتاب‌های یونانی و هنری را باز جستن مواردی



پیش از ترجمه‌های کامل و رسمی قرآن ترجمه‌گونه‌هایی پراکنده و غیررسمی از بخش‌های قرآن در میان ایرانیان رواج داشته است. تا اینکه منصور بن نوح سامانی که عامه مردم را از فهم کتاب خدا عاجز می‌دید، درصدد ترجمه آن بر آمد و چون این کار هنوز رسمیت و مشروعیت نیافته بود و بیم آن می‌رفت که خشم عالمان دین را برانگیزد، برای انجام آن از علمای ماوراءالنهر استفتا کرد و بدین ترتیب پایه ترجمه و تفسیر رسمی قرآن نهاده شد. ترجمه‌ای که طی ده قرن پس از آن الگوی مترجمان شد که به ترجمه قرآن دست می‌یازیدند.<sup>۵</sup>

صرف نظر از ضرورت ترجمه قرآن مجید به عنوان کتاب مقدّسی که بسیاری از گروندگان بر اسلام به ویژه ایرانیان به آن ایمان آورده بودند، تأکید نبی اکرم (ص) به منزلت و مقام علم و توصیه به جست‌وجوی آن در هر سرزمین سبب شد که مسلمانان پس از استقرار حاکمیت بر کشورهای دیگر، علوم و فنون کشورهای مغلوب را مورد توجه قرار دهند. با روی کار آمدن دولت عباسی به دست ایرانیان در سال ۱۳۲ هجری، سیاست دولت اسلامی نسبت به موالی و ملّت‌های غیر عرب مخصوصاً ایرانیان تغییر کرد. ایرانیان در همه امور و شئون حکومتی، سیاسی و علمی جامعه نفوذ یافتند.

ایشان با توجه به سابقه‌ای که در تمدن و فرهنگ داشتند شروع به ترویج علوم و فنون کردند و خلفا را تحت تأثیر محیط ایرانی خود قرار دادند. از همین زمان بود که توجه به علوم و نقل کتاب‌های علمی و حکمی از یونانی، پهلوی، سریانی و هندی به عربی در اسلام آغاز شد.

ایرانی معرفی کرده است. به این باور چنان اعتنا شده که ابن ندیم در ابتدای مقاله هفتم الفهرست و پیش از ذکر کتاب‌های اوایل آن را نقل کرده است.<sup>۵</sup> از سوی دیگر در کتاب چهارم دینکرد سرچشمه همه معارف، اوستا معرفی شد و به داستان انتقال این علوم به یونان و اسکندریه در پی حمله اسکندر و ترجمه دوباره آنها در دوره ساسانی اشاره شده است.<sup>۶</sup> در مثنوی خردنامه نظامی نیز به داستان ترجمه آثار علمی توسط اسکندر برمی‌خوریم:

سر فیلسوفان یونان گروه جواهر چنین آزد از کان کوه  
که چون یک ره آن شاه گیتی نورد زگردش به گردون بر آورد گرد  
به یونان زمین آمد از راه دور وطن گاه پیشینه را داد نور  
ز رامش سوی دانش آورد رای پژوهش گری کرد با رهنمای  
دماغ فلک را به اندیشه سفت در بستگی‌ها گشاد از نهفت  
سخن را نشان خست بر رهبری زیونانی و پهلوی و دری  
از آن پارسی دفتر خسروان که بر یاد بودش چو آب روان  
ز دیگر زبان‌های هر مرز و بوم چه از جنس یونان چه از جنس روم  
بفرمود تا فیلسوفان همه کنند آنچه دانش بود ترجمه  
ز هر در به دانش دری درکشیدو ز آن جمله دریایی آمد پدید  
ابن ندیم هم در مقاله هفتم کتاب خود (در اخبار فلاسفه و علوم باستانی و کتاب‌هایی که از این باب تصنیف شده) می‌گوید: زمانی که اسکندر پادشاه یونانیان برای هجوم به ایران از شهری که رومیان آن را مقدونیه نامند بیرون شد... از آنچه در دیوان‌ها و خزینه‌های اصطخر بود رونوشتی برداشته و به زبان رومی و قبطی برگردانید، و پس از آنکه از نسخه‌برداری‌های مورد نیازش فراغت یافت، آنچه به خط فارسی (که به آن کشتج می‌گفتند) در آنجا بود، به آتش انداخته، خواسته‌های خود را از علم نجوم و طب و طبایع گرفته و با آن کتاب‌ها و سایر چیزهایی که از علوم و اموال و گنجینه‌ها و علما به دست آورده بود به مصر روانه داشت. در دوره پادشاهی انوشیروان ساسانی (۵۳۱-۵۷۹ م.) نیز یک‌جنبش علمی ادبی نضج گرفت و کارهای سترگی در عرصه ترجمه صورت پذیرفت. چندان که بسیاری از منتقدان و پژوهشگران ترجمه، این دوره را نخستین دوره نهضت ترجمه برمی‌شمرند.

#### ترجمه در دوره اسلامی

اصولاً تا پیش از اسلام، بیشتر ترجمه‌ها از زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتینی و سریانی به زبان‌های ایرانی، به ویژه پهلوی انجام می‌شد؛ اما در دوره اسلامی کار ترجمه در زبان فارسی با برگردان قرآن مجید به فارسی ادامه یافت و در پی آن برگردان متون تاریخی به فارسی آغاز گردید. مهم‌ترین دلیل رویکرد مترجمان به ترجمه متون تاریخی آشنا کردن ایرانیان مسلمان با سیره پیامبر اکرم (ص) بوده است.<sup>۸</sup>

لازمه استقبال ایرانیان از سپاه مسلمانان و اقبال آنان به اسلام آن بود که پیام آسمانی قرآن را دریافته باشند و تنها راه ممکن این امر آن بود که قرآن را برایشان ترجمه کرده باشند. بنابراین پذیرفتنی است که

این جنبش اقتباس و انتقال آثار علمی و فرهنگی تمدن‌های غیرعربی (علوم اوایل) به عالم اسلام که «نهضت ترجمه» نام گرفت، تا اواخر سده چهارم ادامه یافت و بیشتر آثار اصلی تمدن‌های یونان، ایران، مصر و هند به عربی ترجمه شد که اکثراً در زمینه‌های طب، ریاضیات، نجوم، فلسفه و آیین‌های کشاورزی بود.

در مقدمه کتاب‌های فارسی شده چلپی، اسامی برخی مترجمان این دوره از خاندان‌ها و افراد آورده شده و درباره هر یک توضیحی ارائه گردیده است، از جمله: ابن مقفع، خاندان ماسر جویه، خاندان بنی موسی خوارزمی، خاندان نوبخت منجم، خاندان بختیشوع، عمر بن فرخان طبری، ابن بطریق و خاندان حنین.

علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره ترجمه دوره اسلامی می‌توانند به جلد هفتم دانشنامه جهان اسلام که اخیراً منتشر گردیده است، ذیل مدخل ترجمه مراجعه نمایند. درباره ترجمه فارسی بعد از نهضت ترجمه و ترجمه در دوره معاصر به مقدمه کتاب مراجعه شود.

#### ترجمه فارسی در دوره معاصر

نخستین کوشش‌های جدی برای اقتباس اندیشه جدید غربی در ایران، در عهد فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق) آغاز شد. در دوره فتحعلی شاه از یک سو فرستادگان کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه پیش از گذشته به دربار ایران آمد و شد داشتند و از سوی دیگر، سپاه ایران به رغم کوشش بسیار در جنگ‌های مرزی با روسیه ناکام مانده بود. رفته رفته برخی دولتمردان به بی‌سامانی اوضاع و عقب‌ماندگی ایران پی بردند و در صدد چاره‌جویی برآمدند. عباس میرزا نایب‌السلطنه و سردار سپاه ایران، و وزیرش قائم مقام اول با اصلاح سپاه و ترجمه آثار فرانسوی در باب لشکر آرای و توپخانه گام اول را به سوی مدنیت غربی برداشتند. ترجمه‌های اولیه را مستشاران و هیأت‌های نظامی فرانسوی و انگلیسی و تاجران و مبلغان مذهبی اروپایی و ارمنی و محصلان و گروه‌های ایرانی بازگشته از اروپا و هندوستان و عثمانی انجام می‌دادند. از دیگر اقدامات عباس میرزا اعزام دانشجو به اروپا بود. در دوره محمد شاه نیز اعزام دانشجو به خارج و ترجمه آثار اروپایی کمابیش ادامه یافت.

در دوره ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق) با تأسیس «دستگاه مترجمان دولتی» و دارالفنون و «دارالترجمه ناصری»، ترجمه آثار اروپایی برای نخستین بار انسجام و سامان یافت. گسترش مناسبات با دولت‌های خارجی، امیرکبیر را به استخدام و تربیت مترجم واداشت. او در دستگاه مترجمان دولتی، برخی از فرنگیان و ایرانیان مسیحی و تحصیل‌کردگان مسلمان را به کارگماشت، از جمله ادوارد برجیس، آندره نماوی، جان داوود، میرزا املکم خان، میرزا ابراهیم، نظر آقا (عین السلطنه)، یحیی خان (مشیرالدوله)، میرزا محسن، میرزا آقا تبریزی، میرزا محبعلی یکانلو، میرزا عبدالرسول، میرزا زکی‌مازندرانی، محمدقلی خان، محمدرضا خان کاشانی و محمدحسن خان قاجار. این مرکز، فعالیت ممتازی در ترجمه آثار اروپایی نداشت؛ اما کسانی که در آن فعالیت می‌کردند بعدها در مراکز دیگر به کار ترجمه پرداختند. از جمله در دارالترجمه ناصری. تاریخ

دقیق تأسیس دارالترجمه ناصری معلوم نیست اما زمانی همچون دارالفنون و دارالطباعة و دارالتألیف، از ادارات وزارت علوم و تجارت بود. پس از ذیحجه ۱۳۰۰ ه.ق به فرمان ناصرالدین شاه مترجمان همه وزارتخانه‌ها به این مرکز پیوستند و «مجلس دارالترجمه» افتتاح شد و استقلال و اهمیت آن بیشتر گشت. محمدحسن خان صنایع الدوله (بعدها ملقب به اعتماد السلطنه) که به زبان فرانسه مسلط بود ریاست دارالترجمه را برعهده داشت. او مترجمانی از زبان‌های عربی، ترکی، اردو، هندی و نیز زبان‌های اروپایی به کار گمارد، و کلاس‌های عمومی آموزش زبان فرانسه، انگلیسی، رومی و ترکی عثمانی در دارالترجمه دولتی به صورت رایگان برگزار کرد. پس از درگذشت ناصرالدین شاه و اعتماد السلطنه کار دارالترجمه و دارالطباعة ناصری متوقف شد؛ اما مترجمان در مطبوعات و مراکز دیگر فعالیت می‌کردند. از جمله در سال ۱۳۱۶ گروهی از دانشوران عصر مظفری، «شرکت ترجمه و طبع کتاب» را برپا کردند. این شرکت نخستین مرکز خصوصی ترجمه بود.

در نیمه نخست سده سیزدهم مطبوعات جایگاه اصلی عرضه آثار و اندیشه‌های جدید غربی و مباحث روشنفکری شده بود. بسیاری از آثار ترجمه شده به فارسی قبل از انتشار به صورت کتاب در نشریات به چاپ می‌رسیدند. در میان نشریات پرشمار آن دوره بهار و دانشکده از این حیث بیش از دیگر مجلات درخور توجه‌اند. برخی نشریات دیگر که دائماً ترجمه‌هایی از متون اروپایی در آنها چاپ می‌شد عبارت بودند از: دانش، حقیقت، آفتاب و ارمغان.

پس از کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان، روند تجدید خواهی و ستایش ایران باستان قوت یافت و این دو مؤلفه در تقابل اظهار نشده با فرهنگ دینی، سیاست‌های فرهنگی دوره پهلوی اول و دوم را جهت بخشید. در این میان آثاری که برای ترجمه برگزیده می‌شد عمدتاً بر آورده کننده همین مقاصد فرهنگی بود. اگرچه مخالفان این جریان رسمی نیز بی‌کار نماندند و از رهگذر ترجمه‌هایشان گفتمان‌های سیاسی و فرهنگی متقابلی را شکل دادند. اما مجموعه تحولات اجتماعی و فکری اواخر دوره قاجار سبب شد که گروه‌های مختلف، گذشته از خاستگاه‌ها و منظورهای متفاوتشان بر سر اهمیت ترجمه به توافق برسند. برای نمونه حتی آیه الله سیدحسن مدرس روحانی مدافع سنت‌های دینی در سال ۱۳۰۰ در نطق خود در مجلس چهارم بیان داشت: «رکن اعظم معارف دایره دارالترجمه است».

از سوی دیگر دولتمردانی همچون محمد علی فروغی (دکاءالملک)، علیقلی بختیاری (سردار اسعد)، محمد مصدق و سیدحسن تقی‌زاده که ترجمه نیز می‌کردند بر رونق جریان ترجمه افزودند. از جزییات چند دهه دوران پهلوی که بگذریم باید اشاره‌ای کوتاه به ترجمه در آستانه انقلاب اسلامی و پس از آن بنماییم. فعالیت گسترده گروه‌های مختلف فکری در آستانه انقلاب و سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب بر چیره شدن دستگاه ممیزی و نظارت دولتی بر کار نشر، ترجمه‌هایی را که سال‌ها اجازه چاپ نیافته بود، روانه چاپخانه کرد. آثار جدیدی نیز با شتاب ترجمه و منتشر شد.

جمع عناوین ترجمه‌های دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ که بر اساس آمار «خانه کتاب ایران» ۲۴۸۸۷ اعلام شد، مقایسه می‌کنیم در می‌یابیم که هنوز تا کمال این اثر راه باقی است. این درحالی است که آمار خانه کتاب معمولاً شامل بسیاری از انتشارات دولتی نمی‌شود. البته اثر مورد بحث شامل آثار دهه هفتاد به تنهایی بیش از همه دوران ترجمه و چاپ در کشور باشد و لازم است در این باره بیشتر تأمل و مطالعه و دقت صورت پذیرد. حداقل می‌توان گفت که به طور کلی هنوز آثار معتناهی باید برای تکمیل این اثر شناسایی و به فهرست کتاب‌های فارسی شده اضافه شود. نگارنده یکی از کتابشناسی‌های موضوعی را به صورت نمونه با این اثر مقایسه نموده‌ام علی‌رغم کوچکی کتابشناسی مزبور، عناوین معتناهی از فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی فوت شده است. اثر مزبور عبارت است از:

کتابشناسی فارسی که از ادبیات ارمنی ترجمه یا دربارهٔ ارمنه نوشته شده است، گردآورنده لئون میناسیان، اما عناوین ترجمه‌های فوت شده در فهرست کتاب‌های فارسی شده به قرار ذیل است.

– آختامار، نوشته هوانس تومانیان، ترجمه وارطان ملیکیان، ایروان: هایاستان، ۱۹۷۲.

– مادرانه در ادب ارمن (اشعاری از شاعران ارمنی درباره مادر)، ترجمه آلک خاچادوریان، تهران: غوکاس کاراپتیان، ۱۳۵۱.

– تاریخ سیاسی و اجتماعی ارمنه، گیو آقاسی و آلکساندر پادماگریان، تهران: فردوسی، ۱۳۵۲.

– کلیساهای ارمنه در تهران، اسقف اعظم آرداک مانوکیان، ترجمه هراند غوکاسیان، تهران: نائیری، ۱۳۵۵.

– ویلیام سارویان با اثری چند از او، ترجمه صارو نظریان، اصفهان: مشتاقی، ۱۳۵۵.

– آوای خاموش نشدنی ناقوس، بارویر سواگ، ترجمه آلک خاچادوریان و مگناس غوکاس کاراپتیان. تهران: خوشه، ۱۳۵۶.

– مسئله ارمنستان، حراج داسنادیان، ترجمه [نامعلوم]، اصفهان، ۱۳۵۷.

– سرودهای سرخ (مجموعه شعر)، ی. چارنتس، ترجمه احمدنوری‌زاده، تهران، ۱۳۵۸.

– قیام خلقی ۱۸ فوریه ۱۹۲۱، بایکن پاپازریان، ترجمه [نامعلوم]، اصفهان: آپاراژ، ۱۳۵۹.

– نیروهای متشکل خلق، و قتل عام ارمنه، کارد ساسونی، ترجمه ا.ژ. آوانسیان، تهران: نائیری، ۱۳۵۹.

– چند اثر از اودیک ایساهاکیان، ترجمه کانون فرهنگی ارمنی، تهران، ۱۳۶۰.

– هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان)، نگارش م. قازاریان، ترجمه ا.گرمانیک، تهران: ندا، ۱۳۶۳.

– سوگنامه نارگ، گریگور نارگاستی، ترجمه آزاد ماتیان، تهران، ۱۳۶۶.

با اعلام انقلاب فرهنگی و تعطیل موقت دانشگاه‌ها، با توجه به نیازها و کمبود مواد درسی، گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها به تألیف و ترجمه و تصحیح متون دانشگاهی فرا خوانده شدند. ستاد انقلاب فرهنگی در مهرماه ۱۳۵۹ «کمیته ترجمه و تألیف و تصحیح کتاب‌های دانشگاهی» را مرکب از «اساتید متعهد دانشگاه‌ها تشکیل داد. این کمیته که از گروه‌های تخصصی رشته‌های گوناگون دانشگاهی تشکیل شده بود در اسفند ۱۳۵۹ به «مرکز نشر دانشگاهی» تغییر نام دارد و اساسنامه آن به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید.

آمار ترجمه در دو دهه اخیر نشان دهنده شکل‌گیری حرکتی گسترده در ترجمه فارسی است. به طوری که در دهه ۱۳۶۰ رقم ۸۴۵۲ عنوان کتاب چاپ اول و در دهه ۱۳۷۰ تعداد ۱۶۴۳۵ عنوان چاپ اول بود. اگرچه داوری دربارهٔ نتیجه و ادامهٔ این حرکت هنوز امکان‌پذیر نیست و نیاز به کنکاشی دقیق دارد، برخی با عینک بدبینی به این حرکت نگاه می‌کنند. به عنوان مثال در مقاله‌ای که با عنوان «تأملی در وضعیت نشر کتاب در سال‌های اخیر» در مجله سروش سال بیست و پنجم (۸ آذر ۱۳۸۲) به چاپ رسیده، مهم‌ترین پیامدهای ترجمه در سال‌های اخیر در ایران این‌گونه شمرده شده است: ۱. ترجمه یک طرفه آثار ملحدان و منتقدان دینی غرب؛ ۲. ترجمه آثار مبتذل و فاسد نظیر رمان‌ها و شعرها و غیره. ۳. مشابهت‌سازی میان فرهنگ اسلامی و ملی با سایر فرهنگ‌ها. ۴. الگوسازی و شخصیت‌پردازی متفکران و ملحدان غرب.

#### فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی

بر اساس مقدمه فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی (صفحه بیست و سه به بعد)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با توجه به لزوم آگاهی مترجمان و ناشران از عناوین کتاب‌های فارسی شده، از سال ۱۳۶۵ طرح گسترده‌ای را در زمینه تدوین فهرست این کتاب‌ها در دو ساختار جداگانه دنبال کرده است:

الف فرهنگ مترجمان فارسی (از نخستین قرون ایران دوره اسلامی تا پایان عصر قاجار ۱۳۲۰ هـ) که مبتنی بر احوال مترجمان، نگاهی به اسلوب کار و آثار فارسی شده آنان و بازنمایی نسخه‌های خطی و چاپی از نظر تاریخ ترجمه‌شان می‌باشد. این فهرست زیر نظر استاد نجیب مایل‌هروری در گروه تصحیح متون بنیاد پژوهش‌ها به مراحل پایانی تألیف رسیده است.

ب فهرست کتاب‌های فارسی شده چاپی، (کتاب‌های فارسی شده چاپی از اوان چاپ و نشر تا سال ۱۳۷۰).

تدوین کنندگان این فهرست با رایزنی‌های بسیار و استفاده از پیشنهاد‌های سازنده اساتید کوشیده‌اند فهرستی ارائه دهند که تا حد امکان عاری از کاستی‌های کتابشناسی‌های موجود دیگر باشد، که تا حدود زیادی در رسیدن به هدف مزبور موفق بوده‌اند. البته نباید انتظار داشت در ویرایش نخست کاری صد در صد جامع و کامل ارائه شده باشد و به هیچ وجه نواقص و نقایصی در آن راه نیافته باشد. در یک آمارگیری سرانگشتی زمانی که تعداد مدخل‌های این اثر را که ۲۴۵۲۴ است با سر

- یادبودنامه به مناسبت یکصدمین سال تولد هوانس تومانیان، ترجمه نادر نادرپور، هوشنگ ابتهاج، با همکاری گالریست خانفس و ر. بن، تهران: چاپخانه کارون، ۱۳۴۸.
- پیام اسقف گره گین سرکیسیان، ترجمه هرناند گوکاسیان، تهران: شورای مذهبی ارمنه جلفای اصفهان و جنوب ایران، ۱۳۵۰.
- ارتیت، الکساندر شیروانزاده، ترجمه آرا جهانس (هوانسیان)، تهران: چاپخانه بانک ملی، ۱۳۲۴.
- ارتیت، الکساندر شیروانزاده، ترجمه کاترین سیمونیان، تبریز، ۱۳۳۷.
- مسافرت به ارمنستان و ایران، پیرآمده، امیلین پروپ، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: خواندی‌ها، ۱۳۴۷.
- البته دو ترجمه دیگر از اثر فوق در فهرست کتاب‌های فارسی شده معرفی شده‌اند. هم‌چنین مدخل ۱۲۰۷۳ (بادبان مرگ) در سال ۱۳۳۵ نیز توسط چاپ خوند منتشر شده بود. کتاب منتخبی از یادداشت‌های ابراهام گاتی گوس (مدخل ۱۴۲۵۲) نیز قبلاً در سال ۱۳۳۰ توسط چاپخانه جبل‌المتین اصفهان منتشر شده بود.
- از کتابشناسی مورد بحث که بگذریم ذیل مدخل ترجمه در جلد هفتم دانشنامه جهان اسلام هم ترجمه‌هایی به دست آمد که در فهرست حاضر معرفی نشده‌اند.
- از جمله:
- تعلیم نامه در اعمال آبله زدن، نوشته کرمیک، ترجمه میرزا محمدبن عبدالصبور خویی. تبریز: باسمة‌خانه دارالسلطنه، ۱۲۴۵.
- هانری چهارم، الکساندر دوما، ترجمه میرزا محمد امین دفتر (از عربی)، تهران، ۱۳۲۳.
- مختصری از قواعد کاپرنیکس (کوپرنیک) با شرح نیوتان (نیوتن)، (مترجم، محل نشر، ناشر، و تاریخ نشر آن معلوم نیست).
- تاریخ فردریک گیوم (درباره انقلاب بروس و آلمان از ۱۲۰۹ تا اوایل قرن چهارم / ۱۷۹۴ تا اواخر قرن نوزدهم)، اثر بوسوئه، ترجمه محمد طاهر میرزا، تهران، ۱۳۱۷.
- شورش روسیه، مؤلف نامعلوم، ترجمه سیدعبدالحسین کرمانی (از عربی)، ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷.
- بوسه عذرا یا مجسمه برنزی، جرج رنولدز، ترجمه سید حسین صدر المعالی، تصحیح ذکاء الملک فروغی، ۱۳۲۶.
- از ترجمه‌های کتاب‌های تاریخ پطر کبیر و شارل دوازدهم، تألیف فرانسوا ولتر نیز تنها به ترجمه‌های محمدعلی فروغی اشاره شده و به ترجمه‌های میرزا رضا مهندس که به همراه تاریخ اسکندر در سال ۱۲۶۳ در یک مجلد چاپ شدند اشاره‌ای نشده است.
- صرفنظر از کمیّت اطلاعات وارد شده به فهرست کتاب‌های فارسی شده از جهت کیفیت نیز مواردی ملاحظه شد که نیاز به اصلاح دارد، و البته باز باید یادآوری کرد که در مقابل انبوه ارزش‌های ویرایشی نخست این اثر اشتباهات و اشکالات مزبور، بسیار اندک و قابل اغماض است.
- تکذیب و ردّ فرقه دینی، یزینیک کقباتسی، ترجمه و مقدمه و تحشیه از گئورگی نعلبندیان، ایروان: دانشگاه ایروان، ۱۳۶۸.
- صد سال شعر ارمنی، تدوین و ترجمه احمد نوری‌زاده، تهران: بهمن، ۱۳۶۹.
- فرهنگ فارسی به ارمنی، گورگ درهوانسیان بالادسی، استانبول، ۱۸۲۶.
- معیار عشق، پابلک ساناساریان، ترجمه سرکیس کاراپتیان. تهران: انجمن جوانان معارفخواه ارمنه ایران، ۱۳۲۳.
- قطعاتی چند از ادبیات ارمنی، ترجمه آزاد تروس، آلبرت برناردی، اراجهانس هوانسیان، تهران، ۱۳۲۴.
- داستان‌های ادبی رفیق من نبینو، هوانس تومانیان، ترجمه آرماتیس ازرومانیان، تبریز، ۱۳۲۶.
- داستان‌های ادبی ارمنی، هوانس تومانیان، ترجمه آرماتیس ازرومانیان، تبریز، ۱۳۲۶.
- مجموعه داستان‌های جدّه و نوه، استپان زوریان، ترجمه آرماتیس ازرومانیان، تبریز، ۱۳۲۶.
- برای ناموس، الکساندر شیروانزاده، ترجمه هایک گاراگاش.
- داستان‌های ارمنی از چند نویسنده، ترجمه هایک گاراگاش، تهران، ۱۳۳۶.
- ارمنه در خاورمیانه، رابرت هوزن، ترجمه هراییز خالاتیان، تهران: الیک، ۱۳۴۶.
- امریکا در خاورمیانه، جان ا. دنور، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: الیک، ۱۳۴۶.
- خطا به سرهنگ کرینین درباره ارمنه، از انتشارات روزنامه الیک، تهران، ۱۳۴۶.
- نگرش کوتاهی به ۲۲ قرن ادبیات ارمنی، میناس تولولیان، ترجمه آک خاچادوریان، تهران: الیک ۱۳۴۶.
- حماسه جاوید دلاوران ساسون، ترجمه گیورگیس آقاسی و الکساندر باماگریان، تهران: شرکت سهامی چاپ، ۱۳۴۷.
- راهنمای مطبوعات ارمنی در ایران و جهان، گردآوری ادوارد گلبگیان، ترجمه ماری اختس، تهران: الیک، ۱۳۴۷.
- مختصری از نقش ارمنه در امپراتورهای بیزانس و عثمانی، هرچیا اجاریان، ترجمه هرناند گوکاسیان و هراییز خالاتیان، تهران: الیک، ۱۳۴۷.
- مناسبات لئوناردو داوینچی، لردبایرن، ماکسیم گورکی با ارمنه و ارمنستان، ترجمه ک. زاریان و هراییز خالاتیان، تهران: الیک، ۱۳۴۷.
- حماسه اندوه و مجموعه‌ای از شعر ارمنی، ترجمه آک چادوریان، مکناس کاراپتیان، تهران: خوشه، ۱۳۴۷.
- آئوش: برگزیده‌ای از شعر شاعران ارمنی زبان، ترجمه هرناند گوکاسیان، اصفهان: اصفهان، ۱۳۴۸.

از گر یگور سهراب در نمایه عنوان علاوه بر مدخل مزبور در محل الفبایی اسامی هر یک از هفده داستان نیز معرفی شده است.

تدوین‌کنندگان این فهرست برای سهولت دستیابی به اطلاعات کتابشناختی آثار ترجمه شده نمایه‌هایی را فراهم آورده‌اند که همه در جلد چهارم این اثر ارائه گردیده است. این نمایه‌ها عبارت است از:

نمایه مترجمان، به ترتیب الفبایی اسامی (نام فامیل، نام کوچک). در مقابل هر نام شماره مدخل یا مدخل‌های مربوط به آثار ترجمه شده به وسیله آن مترجم آمده است. با استفاده از این نمایه ضمن دستیابی سریع به ترجمه‌های هر فرد می‌توان پرکارترین مترجمان را نیز به سهولت شناسایی کرد.

البته تعداد مدخل‌های مربوط به آثار ترجمه شده صرفاً دلیل پرکاری مترجم نمی‌تواند باشد چرا که ممکن است فردی با ترجمه تنها یک اثر بزرگ، به مراتب بیش از فردی با ترجمه ده‌ها جلد کتاب کوچک، کار کرده باشد. طولانی‌ترین مدخل‌ها هم در این بخش مدخل آثار مجهول المترجم است.

تمامی نمایه‌های مذکور به صورت الفبایی تنظیم گردیده و به شماره مدخل اصلی در سه جلد نخست ارجاع داده شده است نه به صفحات کتاب. برای رعایت نظم الفبایی در نمایه عناوینی که با عدد آغاز شده‌اند اعداد داخل قلاب [ ] قرار گرفته و عناوین براساس حروف بعد از اعداد الفبایی شده‌اند.

تهیه‌کنندگان این فهرست ابراز امیدواری کرده‌اند که در پیوست نخست این اثر (کتاب‌های فارسی شده از سال ۱۳۸۰-۱۳۷۰)، نمایه‌های موضوعی و تاریخی را نیز به نمایه‌های پیش گفته بیفزایند. مسلماً انجام چنین مهمی برقدر و قیمت این فهرست نفیس خواهد افزود. بر همه دست‌اندرکاران این کار سترگ درود می‌فرستیم، و پیوست‌ها و افزوده‌های وعده شما را چشم انتظاریم.

پانویست‌ها:

۱. لغتنامه دهخدا ذیل مدخل ترجمه.
۲. دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، سرویراستار عباس حرّی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱. ج ۱، ص ۶۲۸. ذیل مدخل ترجمه.
۳. فرهنگنامه ادبی فارسی (گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۳۳۹.
۴. همان، ص ۶۲۸.
۵. دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۲۹؛ به نقل از فهرست ابن ندیم، چاپ تجدد، ص ۳۰۰-۳۰۱.
۶. همان، ص ۴۱.
۷. نرم‌افزار درج ذیل اشعار نظامی.
۸. فرهنگنامه ادبی فارسی، ص ۳۴۶.
۹. دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۸۷۹.
۱۰. کتاب‌های فارسی شده چلی، ج ۱، مقدمه ص بازده چهارده.

اما در کار نقد چاره‌ای جز پرداختن به این جنبه نیست؛ درغیر این صورت نوشته از حد نقد به مرحله معرفی ضعیف یا جانب دارانه تنزل می‌یابد؛ بنابراین به عنوان نمونه به برخی از نقاط انگشت انتقاد می‌نهمیم:

ترجمه تفسیر کابلی با عنوان فوائد موضح الفرقان نوشته محمودحسن دیوبندی بشیراحمد دیوبندی در ردیف ۹۱۵۵ تنها ذیل نام احمد دیوبندی آمده است. در بخش آغازین فهرست نیز که مربوط به معرفی ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن به فارسی است سراغی از آن نمی‌توانیم جست.

کتاب دیار اشکبار از ما طهوس خان ملیک یانس در ردیف ۷۰۶ به عنوان کتاب چاپ سنگی معرفی شده که در سال ۱۳۷۰ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز هنرهای نمایشی منتشر گردیده است. در صورتی که دهه‌ها پیش از این تاریخ چاپ سنگی منقرض شده بود. احتمال دارد این اطلاعات مربوط به چاپ اُفسست از همین عنوان باشد که پیشتر در سال ۱۳۲۹ در تهران توسط انتشارات فاروس منتشر گردیده است.

به هر حال به هر میزانی هم که این اثر از کمال برخوردار باشد روز آمد نبودن اطلاعات آن حداقل در هر دهه اجتناب ناپذیر است. چرا که آگاهی از ترجمه آثار جدید و یا ترجمه‌های جدید از آثاری که قبلاً ترجمه یا ترجمه‌هایی از آنها صورت گرفته امری است که محققان و به ویژه مترجمان همواره به آن نیاز دارند. البته دست‌اندرکاران این اثر وعده نشر زود هنگام آثار ترجمه و منتشر شده دهه هفتاد را وعده داده‌اند. از جمله مواردی که به نظر می‌رسد جا داشت در این فهرست بیشتر به آن پرداخته شود. فرهنگ‌های لغات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های دو زبانه یا چند زبانه‌ای است که یکی از زبان‌های آنها فارسی است. هم‌چنین از فازهای بزرگ کاری در راستای نمایاندن همه متون فارسی شده توجه به ترجمه‌هایی است که در نشریات به چاپ رسیده‌اند، اعم از مقالات مهم، پاورقی‌ها و رسالات علمی و ادبی.

اما اگر بخواهیم به جنبه‌های مثبت این اثر گرانسنگ که کم هم نیست نگاهی بیندازیم نخست باید بگوییم این فهرست کامل‌ترین کاری است که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است؛ هم از جهت جامعیت و هم از نظر کیفیت تنظیم.

کل اثر ذیل اسامی مؤلفین اصلی به ترتیب الفبایی فارسی تنظیم گردیده و ذیل هر اسم عناوین آثار به فارسی باز به ترتیب الفبایی آمده است. نام مؤلفین اصلی تنها در مدخل نخست ذکر شده‌اند هم به همراه شکل اصلی نام به زبان اصلی، در سایر مدخل‌ها برای جلوگیری از تکرار نام مؤلف از نقطه چین استفاده شده است.

اسامی مؤلفین تا حد امکان با استفاده از فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان مستند گردیده است.

در موارد فراوانی عنوان اثر به زبان اصلی نیز در ذیل مدخل ذکر شده است. برای جامعیت دادن به نمایه عناوین آثار، علاوه بر عناوین اصلی، عناوین فرعی نیز مدخل قرار گرفته‌اند؛ برای نمونه: کتاب هفده داستان